

**Original Article**

**Types of Cancer in the Medical Works of Islamic Civilization from the First Century to the End of the Sixth Century AH**

**Ali Reza Rouhi<sup>1</sup>, Ebrahim Mohammadzadeh Mazinan<sup>2\*</sup>**

1. Associate Professor of History, Culture and Civilization of Islamic Nations, Razavi Islamic University of Mashhad, Mashhad, Iran.
2. Graduate student of Islamic history and civilization, Department of History, Islamic Culture and Civilization, Razavi Islamic University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) Email: ebrahimmazinan99@gmail.com

Received: 26 Nov 2018    Accepted: 12 Mar 2019

**Abstract**

**Background and Aim:** In the medical works of the Islamic Republic, attention has been paid to various diseases. Among various diseases, cancer has a special place. Muslim doctors have made many efforts to introduce cancer types, cognition, categorization, treatment options, effective drugs, and various cancer-related issues.

**Materials and Methods:** Using a review method, a library and referring to the first sources in the medical field of Islam, various types of cancer were extracted and examined. This article attempts to explore various types of cancers in Islamic medical works from the 3rd to 7th centuries, using various Islamic medical sources.

**Findings:** In Islamic medical texts, cancers, depending on the type, can be classified into different types due to the characteristics of the cancer itself. Almost all Islamic medical tests are dedicated to various topics related to cancer. In this regard, the introduction and categorization of cancer types is the main topic of this article.

**Conclusion:** It is important to explain the role of organic matter and its role in the emergence of cancer. The most important of these is the division into cancers that originate from the human body and the location of the cancer. Another division is due to the weakness and severity of the cancer, and the other is classified by the secret or appearance of cancer.

**Keywords:** Muslim Doctors; Types of Cancer; Aphrodisiac; Cancer of the Organs

**Please cite this article as:** Rouhi AR, Mohammadzadeh Mazinan E. Types of Cancer in the Medical Works of Islamic Civilization from the First Century to the End of the Sixth Century AH. *Med Hist J* 2019; 11(38): 19-31.

## انواع سرطان در آثار پزشکی تمدن اسلامی از قرن نخست تا پایان قرن ششم قمری

علی‌رضا روحی<sup>۱</sup>، ابراهیم محمدزاده مزینان<sup>۲\*</sup>

۱. دانشیار گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

۲. دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: ebrahimmazinani99@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

### چکیده

**زمینه و هدف:** در آثار پزشکی اسلامی توجه به بیماری‌های مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در بین بیماری‌های مختلف، سرطان جایگاه خاصی را به خود اختصاص داد. پزشکان مسلمان تلاش‌های بسیاری را در جهت معرفی انواع سرطان، شناخت، دسته‌بندی، راه‌های درمان، داروهای مؤثر و موضوعات مختلف مرتبط با سرطان انجام داده‌اند.

**مواد و روش‌ها:** با استفاده از روش مروری، کتابخانه‌ای و رجوع به منابع دسته اول در زمینه پزشکی اسلام انواع سرطان استخراج و مورد بررسی قرار گرفت. در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از منابع مختلف پزشکی اسلامی به بررسی انواع مختلف سرطان در آثار پزشکی اسلامی از قرن ۳ تا ۷ ق. / ۹ تا ۱۳ م. بپردازیم.

**یافته‌ها:** در متون پزشکی اسلامی سرطان‌ها بسته به نوع، از جهت ویژگی‌های موجود در نفس سرطان به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. تقریباً در تمامی متون پزشکی اسلامی بخشی به مباحث مختلف مرتبط با سرطان اختصاص یافته است. در این بین معرفی و دسته‌بندی انواع سرطان موضوع اصلی این مقاله است.

**نتیجه‌گیری:** تبیین جایگاه اخلاط اربعه و نقش آن‌ها در به وجود آمدن سرطان از اهمیت خاصی برخوردار است. مهم‌ترین این نوع تقسیم‌بندی به سرطان‌هایی است که از اعضای بدن انسان‌ها و محل سرطان ناشی می‌گردد. تقسیم‌بندی دیگر با توجه به ضعف و شدیدبودن سرطان است و دیگری با توجه به مخفی یا ظاهر بودن سرطان تقسیم می‌شود.

**واژگان کلیدی:** پزشکان مسلمان؛ انواع سرطان؛ اخلاط اربعه؛ سرطان اعضا

## مقدمه

سرطان یک نام کلی برای دسته بزرگی از بیماری‌هاست. بیماری سرطان وقتی اتفاق می‌افتد که سلول‌های بدن رشد کرده و به طور غیر قابل کنترلی تکثیر می‌شوند. بدن ما از میلیون‌ها سلول ساخته شده است که این سلول‌ها بافت‌های مختلف را تشکیل می‌دهند. سلول‌ها به طور نرمال رشد می‌کنند و سپس تقسیم می‌شوند و در زمانی معین هم می‌میرند و این روند موجب سلامت بدن ما می‌شود. سلول‌های سرطانی سریع رشد می‌کنند و تکثیر می‌یابند. این روند سرطانی شدن معمولاً زمانی آغاز می‌شود که صدمه‌ای به ساختار ژنتیکی سلول وارد شود. چنین توصیفی از سرطان در قرن ۲۱ و در زمانی است که علم رشد چشم‌گیری یافته است، اما در قرون کهن اسلامی این توصیف چگونه بوده و پزشکان مسلمان چه راه‌هایی را برای تشخیص انواع مختلف این بیماری سخت داشته‌اند؟ پاسخ به این پرسش، این فرضیه را می‌رساند که دانشمندان مسلمان با تلاش فراوان و با روحیه مطالبه‌گری و جدیت، در پی کشف انواع سرطان و در کنار آن کشف انواع راه‌های مداوا و حتی جراحی و پی‌بردن به خواص ضد سرطانی و درمانی میوه‌ها و گیاهان بوده و در درمان انواع سرطان قدم‌های بزرگی برداشتند. آنان نتایج بسیاری را به دست آورده و توضیحات مفصلی را از خود بر جای گذاشتند که تاکنون بسیاری از توضیحات پزشکان مسلمان در نوع خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما در مقاله‌ای مجزا مطرح نشده است.

## مواد و روش‌ها

این مقاله به روش کتابخانه‌ای و مرور متون پزشکی اسلامی انجام گرفته است. در این مطالعه با رویکرد هدفمند، مطالب مربوط به انواع سرطان از منابع اصیل طب سنتی اسلامی که مرجع باشند، مؤلف آن‌ها از دانشمندان برجسته و معتبر باشند، تحقیق شده است. منابع از سده‌های متاخر هستند و در برخی موارد برای شرح اصطلاحات یا توضیح بیشتر از متون متقدم استفاده شده است. بر این اساس کتب مورد استفاده که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «القانون

فی الطب»، «الجراحه»، «الحاوی فی الطب»، «الاغراض الطیبیه»، «ذخیره خوارزمشاهی»، «المنصوری فی الطب»، «المغنی فی الطب»، «کتاب الماء»، «هدایة‌المتعلمین»، «بستان الاطباء»، «دائرة‌المعارف گیاه درمانی ایران» و... .

در نهایت با بررسی منابع متعدد پزشکی اسلامی از میان فصول و مطالب بسیار طبی در باب سرطان، سعی در ارائه مطلب جدیدی در طب سنتی با عنوان انواع سرطان و تقسیمات آن شدیم.

## ۱- معنی سرطان

در بررسی آثار پزشکی تمدن اسلامی، واژه سرطان هم بر بیماری و هم نام حیوان و حتی بر نام دارویی اطلاق می‌شود، چنانکه چنگار بر وزن زنگار، خرچنگ را گویند و به عربی سرطان خوانند (۱). همچنین سرطان مأخوذ از تازی خرچنگ و نام برج چهارم از دوازده برج فلکی که کاخ ماه و کشف و کشو نیز گویند (۲). نیز دارویی به همین نام وجود دارد (۱). در هر صورت مقصود ما از سرطان یک نام کلی برای دسته بزرگی از بیماری‌هاست.

سرطان وقتی اتفاق می‌افتد که سلول‌های بدن رشد کرده و به طور غیر قابل کنترلی تکثیر می‌شوند (۳). سرطان از بیماری‌هایی است که روز به روز عده بیشتری از انبای بشر در چنگال‌های وحشتناک و دردناک آن جان می‌سپارند، با این همه توسعه و وسایل و مکاشفات گسترده و کشف انواع میکروب‌ها و دامنه وسیع امروزی علم پزشکی، هنوز پزشکان موفق به یافتن راه درمان قطعی انواع این بیماری نشده‌اند و نیز اطلاعات مردم هم در این باره بسیار محدود و اندک است. بعضی از پزشکان معتقدند که سرطان از ویروسی که بشر هنوز موفق به شناختن آن نشده، به وجود می‌آید و دلایلشان آن است که غدد سرطانی که در برخی از حیوانات دیده شده، ویروس مخصوصی داشته است، اما آنچه مسلم است این است که هنوز عامل مولد سرطان کشف نشده و بشر نتوانسته است از این راز پرده برگردد.

سرطان معمولاً به چند طریق در کار تغذیه نقصان پدید می‌آورد و منجر به مرگ می‌شود. به عبارت دیگر وجود سرطان باعث می‌شود که غذای مصرفی نتواند تکافوی احتیاجات

پهلوی و بخش زیرین شکم. خون را بر سر و صورت و گوش‌ها، چشم‌ها و دو سوراخ بینی و سینوس‌ها و دهان مسلط کرد و بلغم را بر سینه با نیروی باد استیلا بخشید و صفرا را بر دنده‌های پهلوی غلبه داد و سودا را بر شکم و احشا و امعاء سیطره داد (۵).

جالینوس برای اخلاط اربعه مشابهت‌هایی را ذکر کرده است. او صفرا را که همان زهره سرخ باشد، همانند زن بدزبان، اما مؤمن می‌داند که در عین ناراحتی بسرعت از خشم می‌افتد. خون همچون سگ حار است، باید فوراً وی را از خانه بیرون کنی یا او را بکشی. بلغم چون پادشاه یا شخص زورمندی است که وارد خانه شده و تو از ستم او بر خود می‌ترسی، باید با آن مدارا نمایی، نه آنکه او را تحریک نمایی و آزارش دهی. سودا در بدن مثل انسان کینه‌توزی است که متوجه هدف او نمی‌شوی، ممکن است به ناگاه هر کار بدی را انجام دهد (۶). هر یک از این اخلاط اربعه، طبیعی و غیر طبیعی‌اند: طبیعی در بدن ضروری و مفید است و غیر طبیعی مضر، به طور مثال خون طبیعی آن است که سرخ باشد و بدبو نیست و شیرین و معتدل‌القوم بوده و طبیعت آن گرم و تر است و فایده‌اش آن است که جزء بدن و بدل آنچه از بدن به تحلیل می‌رود، می‌گردد و غیر طبیعی آن است که در رنگ و بوی و طعم و قوام مخالف طبیعی باشد (۴).

طبیعت هر کس طالب چیزی است که با او توافق و مناسبت داشته باشد، مثلاً کسی که مزاج حار دارد، خواستار سردی است و آنکه مزاج رطوبی دارد، خواهان غذای خشک می‌باشد. این طلب و خواهش نامش هوس است. همانطور که شخص هنگام کمبود غذا و خالی‌شدن معده گرسنه می‌شود و غذا می‌خواهد و هنگام تشنگی تمنای آب دارد، وقتی هم یکی از عناصر ترکیبی وجود او کمبود پیدا کرد، میل انسان به خوردن چیزی که دارای همان ماده و عنصر باشد تحریک می‌شود و آن را طلب می‌کند (۷).

اکثر امراض در اثر غلبه یا ضعف این اخلاط اربعه بروز می‌نماید. غلبه مقدار آن‌ها امتلا را به وجود می‌آورد. هر یک از این اخلاط ممکن است عفونت پیدا کرده و آثار آن در تمام بدن ظاهر شود. همچنین تحت تأثیر بعضی عوامل اخلاط بدن

روزافزون سلول‌های طبیعی و غیر طبیعی را که مرتب در حال رشد و نمو هستند برآورده کرده و قوای فعال بدن را از کار می‌اندازد، بعضی وقت‌ها سرطان در کار دستگاه گوارش اختلال پدید می‌آورد و ایجاد بی‌اشتهایی و دل‌به‌هم‌خوردگی و استفراغ می‌کند و در نتیجه بیمار مبتلا به سرطان، وزن و قدرت جسمانی خود را از دست می‌دهد و مستعد برای استقبال از مرگ می‌شود. در مواردی نیز سرطان پنجه‌های خود را به درون دیواره شریان‌ها فرو می‌برد و ایجاد خون‌ریزی درونی می‌کند و گاهی ممکن است که پنجه‌های خود را به قلب، کلیه و ریه‌ها بیافکند و این اعضای حساس بدن را از کار بیاندازد. اگر در اثر رشد و نمو غیر طبیعی سلول‌ها و نفوذ ریشه‌های سرطانی در شریان‌ها، مغز، کلیه، قلب و ریه‌ها نتایجاً به مرگ نینجامد، بیمار به قدری ضعیف و نحیف خواهد شد که در برابر دردهای شدید سرطان تحمل نخواهد نمود (۳).

## ۲- اخلاط اربعه

قبل از بحث درباره انواع سرطان لازم است شناخت کاملی از مواد تشکیل‌دهنده بدن داشته باشیم تا به صورت علمی و درست زمینه‌های سرطان را بشناسیم. قدمای حکما، فلاسفه و اطبا معتقد بودند که عالم اجسام از چهار عنصر ترکیب شده: آب، آتش، خاک و هوا که هر کدام دارای طبیعت مخصوصی هستند، سرد، گرم، تر و خشک مزاج انسان نیز از چهار خلط ترکیب شده: بلغم، صفرا، سودا و خون. هر کدام از این‌ها دارای طبیعتی هستند و هر یک از آن‌ها که در مزاج غلبه داشت، مزاج به آن نامیده می‌شود و دارای همان طبیعت خواهد بود. در حقیقت بدن در دو جنس رطوبت است: یکی را رطوبت اولی گویند و آن اخلاط اربعه است؛ دیگری را رطوبت ثانیه و این فضولات می‌باشد (۴).

اخلاط اربعه را می‌توان بر چهار بخش اصلی بدن، یعنی سر، سینه، پهلوها و قسمت تحتانی شکم توزیع نمود. بدین صورت که سر، گوش‌ها، چشم‌ها، مجاری بینی، و دهان در غلبه خون (دم)، سینه از بلغم و باد، پهلوها از صفرا و قسمت تحتانی شکم از سودا می‌باشد. تأثیرات طبائع و اخلاط را بر چهار جزء بدن نیز تقسیم می‌شود: بر سر، سینه، دنده‌های

ممکن است گرم‌تر، سردتر، خشک‌تر، ترتر، شیرین‌تر، شورتر، عفت‌تر، ترش‌تر از آنچه در حال طبیعی هستند بشود (۸). به خاطر همین است که اعتدال رنگ بدن‌ها از متعادل بودن اخلاط اربعه می‌باشد (۹).

### ۳- انواع سرطان

سرطان انواع گوناگونی دارد و در آثار پزشکی اسلامی سرطان‌ها بسته به نوع، از جهت ویژگی‌های موجود در نفس سرطان به انواع مختلفی تقسیم می‌شود. این نوع تقسیم‌بندی برخاسته از همان سرطان‌هایی است که از اعضای بدن انسان‌ها ناشی می‌گردد. تقسیم‌بندی‌های دیگری از قبیل ضعیف و شدیدبودن و همچنین مخفی یا ظاهر بودن سرطان مطرح می‌شود. این تقسیم‌بندی می‌تواند از دیدگاه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد:

#### ۳-۱- سرطان با توجه به ماده تشکیل‌دهنده آن: بدن

از اخلاط اربعه تشکیل می‌شود: سودا، بلغم، صفرا و دم. یکی از این مواد بدن اگر دچار خدشه شود، باعث به وجود آمدن بیماری‌هایی می‌گردد. هر ورمی که در بدن حادث می‌شود، از زیادی خلطی است که بر عضو ورم‌کرده فرو می‌ریزد، حال اگر این خلط از جنس خون باشد، ورم «فلغمونی» خوانده می‌شود و اگر از جنس بلغم باشد که ورم سست را به وجود آورده باشد، آن را «تهیج» گویند و اگر از جنس مرار باشد، آن ورم را «حمره» و اگر از جنس سودا باشد، آن را «صلابه» خوانند که این اخیر معروف به سرطان است (۱۰).

در واقع یکی از بیماری‌هایی که سودای شدید باعث به وجود آمدن آن است، سرطان است (۱۱)، حتی برخی وجه تسمیه سرطان و در تعریف آن گفته‌اند: «السَّرطان سَمِّي بِهَذَا الْإِسْمِ لِأَنَّ الْخَلَطَ السُّودَاوِيَّ الْمَوْجُودَ فِي الْعَضْوِ بَعْضُهُ يَحْدُثُ وَرْمًا» (۱۲). این سودا چنان سرطانی به بار می‌آورد که درمان آن با ادویه امکان ندارد، بلکه برای آن بسیار ضرر دارد (۱۳). بنابراین گاهی عامل سرطان یکی ماده سودایی خالص است و گاهی آمیختگی سودا و صفرا عامل آنست و با درد و سوزش و التهاب و ضربان همراه باشد و نیز حوالی آن رگ‌ها برخاسته می‌شود (۱۴).

۲-۳- سرطان خفی و شدید: نوعی دیگر از سرطان که از لحاظ سختی تشخیص و میزان راحتی درمان قابل بررسی است به خفی و شدید تقسیم می‌شود (۱۵). سرطان در ابتدا به سختی قابل تشخیص است و زمانی که آشکار گردد، علاج آن دشوار باشد و نخست مقدار یک به اندازه باقلی کوچک بود و رنگ آن تیره و با حرارت اندک است. سرطانی که نشانه‌ای ندارد تا آن را عیناً مشاهده و درمان کرد، سرطان شدید نام دارد و آن را به هیچ وجه نمی‌توان جنبانید و علاج آن جز پرهیز و فصد (رگ‌زدن) و پاک‌کردن بدن از ماده سودا نیست (۱۴).

سرطان خفی در باطن بدن است و به این خاطر خفی می‌گویند که هیچ جراحت و خوره‌ای در آن نیست. این سرطان اگر تشخیص داده شود، صلاح آن است که معالجه نگردد و آلا با شروع معالجه درمان سخت‌تر و هلاکت هم سریع‌تر می‌گردد (۱۱). سرطان از سودا حادث می‌شود. اگر خلط موجود در بدن گرم باشد، متقرح شده، سر باز می‌کند و درمان آن هم بسیار سخت است، اما اگر این‌گونه نگردد، سرطان خفی نام دارد (۱۱).

#### ۳-۲- سرطان داخلی و خارجی: این نوع سرطان با

توجه به شناخت و ظاهر بودن، به داخلی و خارجی تقسیم می‌گردد. در واقع سرطانی که قابل مشاهده باشد و با معاینه شناخته شود، سرطان خارجی می‌نامند. دانشمندان مسلمان از جمله رازی و ابن سینا معتقدند که سرطان داخلی را نمی‌توان معالجه نمود و در صورت اقدام برای درمان آن، مریض به سرعت به کام مرگ کشیده خواهد شد. ابن سینا بر این است که «كثيراً ما يعرض في الباطن سرطان خفي، و يكون الصلاح فيه على ما قال بقراط أن لا يحرك، فإنه إن حرك فربما أدى إلى الهلاك، و إن ترك و لم يعالج فربما طالت المدة مع سلامة ما، و خصوصاً إذا أصلحت الأغذية و جعلت مما يبرّد و يربّب و يولّد مادة هادئة سالمة، مثل ماء الشعير و السمك الرضاضي و صفرة البيض النمرش و نحو ذلك» (۱۶). رازی نیز همین نظر را دارد که اگر انسان به سرطان خفی مبتلا شد، بهتر آنست که معالجه نکند، چراکه باعث هلاکت سریع می‌گردد و بدون معالجه عمر بیشتری خواهد داشت (۱۱). شاید این مخالفت برای این است

که این نوع سرطان همانطور که از نامش برمی آید، خفی است و ناشناخته و تا برای پزشک آشکار نشود، درمان آن نیز به راحتی امکان پذیر نمی باشد، لذا درمان های خودسرانه سبب عود آن و در نهایت فوت مریض می گردد.

سرطان خارجی، یعنی سرطانی که خود را نمایان کرده است. در آثار پزشکی اسلامی این سرطان که در بدن ظاهر می گردد قابل درمان است. این که رازی و بسیاری از پزشکان بزرگ معتقدند که باید آن مقدار از رگ های بدن که بیماری دارد فصد و یا بریده شود از باب این است که این رگ های سرطانی قابل رویت اند (۱۱)، هر چند بریدن و قطع، خود عامل مرگ می شود، بنابراین استفاده از داروهای گیاهی و حیوانی تجویز می شود، چنانکه بابونه به تشخیص این سینا در درمان سرطان ظاهری مقرر به کار می رود (۱۷).

#### ۴-۳- سرطان متفرح و غیر متفرح: سرطان با توجه به

ظاهر شدن زخم و ریش شدن آن به متفرح و غیر متفرح تقسیم می شود. سرطان اگر در ابتدا به شکل یک باقالی و کوچک و دایره ای وار باشد و به همین شکل باقی بماند، درد کمی داشته و ساکن خواهد بود که بدان غیر متفرح می گویند، ولی اگر دارای درد شدید باشد، سر باز می کند که بدان متفرح می گویند (۱۶). سرطان متفرح نیز یا به خاطر اشتباه پزشک یا به ذاته پدید می آید. این نوع سرطان منظر بسیار زشتی از خود دارد. علامت دیگر غیر متفرح، سفتی، متمایل به سرخی و گاهی سیاهی، درد شدید انتهای شکم و عانه است. سرطان متفرح نشانه اش جاری شدن رزد آب است و شاید از آن مایع سفید یا قرمز و یا خون از آن جاری شود (۱۸).

جرجانی در توصیف سرطان می نویسد: «اگر سرطان ریش گردد و ریمی شوخ ناک ناهموار بیرون آید و باشد که صدید سبز و گنده می پالاید و باشد که خورده (خوره) شود و خون صرف پالاید و گمان افتد که حیض است و نباشد و سبب ریش گشتن آن است که ماده آماس سودایی ناطبیبی بود و از سوختن اخلاط تولید کرده بود یا خلطی تیز با وی آمیخته باشد و گاه باشد که چیزی پالوده شود و تب ساکن گردد» (۱۳).

دانشمندان مسلمان از این که سرطان تبدیل به متفرح شوند، وحشت دارند. در واقع اگر سرطان معالجه نگردد، تبدیل به متفرح می شود و بدترین حالت به وجود می آید (۱۹)، لذا می توان برای جلوگیری از این سرطان و حتی امید به بهبودی آن دست به مداوای آن زد (۱۸). ابن سینا با تخصص کامل، در قانون بایب دارد که داروها را برای چهار مرحله از سرطان معرفی می کند. از بین بردن و ابطال سرطان، جلوگیری از زیاد شدن، دارو برای متفرح و غیر متفرح (۱۶).

برای جلوگیری از متفرح شدن، باید ابتدا بدن را از سودا پاک کرد که فصد در اینجا می تواند کمک کننده باشد و باید بارها این عمل را برای خارج کردن سودا انجام داد و در کنار آن برنامه غذایی معتدلی داشت (۱۲) و از داروهایی مانند آنچه که شامل، توتیا و روغن گل است، بر روی موضع قرار داده شود (۱۸-۱۶). باید بسیار مراقبت نمود تا ماده موجود در آن جاری نشود. در این کار می توان از آب خنک هم استفاده نمود. از داروهای گرم که باعث تهییج ورم می شود، به شدت باید پرهیز نمود (۱۱). زهراوی هم به فراخور جراحی ها و تجربه فراوان اش در جراحی، برای توقف سرطان غیر متفرح، داغ کردن اطراف آن را با میله آهنی گرد پیشنهاد می دهد (۲۰).

برخی از پزشکان معتقدند اگر سرطان متفرح شود امکان مداوای آن با دارو را وجود ندارند و عمل جراحی با قطع را پیشنهاد می کنند (۱۱، ۱۳، ۱۸، ۲۱). برای مداوای آن مرهمی که متشکل از مغز گندم، سفیده سرب، گل ارمنی و مختوم که با روغن گل ممزوج می شود (۱۶) همچنین آب خرفه یا آب خیار یا آب کدو هر کدام بود روی آن می گذاریم (۲۲-۱۸).

#### ۵-۳- سرطان اعضای مختلف بدن: این سرطانها

عبارتند از:

۱-۵-۳- سرطان خون: از مهم ترین سرطان های مورد ابتلا، سرطان خون است که مورد تشخیص و توجه پزشکان اسلامی قرار گرفته است، اما در توضیح آن فقط به این نکته اشاره شده است که در خون سفیدی پیدا می شود که باعث کمبود موادی در بدن می گردد و این منجر به انتشار درد در نخاع می شود (۲۳). درباره دارویی که می توان برای این سرطان نیز استفاده کرد گوشت حجل را تجویز نموده اند. حجل پرنده ای است

کوهی که گوشت آن از جمله بهترین غذاها به شما آمده و ترکیب آن با فلفل برای سرطان خون منفعت دارد (۱۵).

۲-۵-۳- سرطان معده: از جمله سرطان‌های خطرناک که انسان باید بسیار مراقب باشد تا بدان مبتلا نشود، سرطان معده است. در حقیقت برخی از اعضا هستند که حس ندارند و به تعبیری محسوس نیستند، اما درد در آن‌ها به واسطه التهاب حس می‌شود، مانند شش و جگر، اما برخی دیگر محسوس‌اند، اما درد که از التهاب برمی‌خیزد قابل درک نیست، مانند سرطانی که در دهانه معده به وجود می‌آید (۱۴-۱۳). همین عامل باعث می‌شود که آگاهی از آن در آثار پزشکی را از اهمیت خاصی برخوردار باشد، چراکه این سرطان ورمی است که در عضو حساس قرار می‌گیرد، اما درد باعث می‌شود تا حس عضو از بین رفته و قابل درک نباشد (۱۶) و همین باعث سختی این سرطان گردد.

یکی از اسباب مهمی که به سرطان معده منجر می‌شود و راه فراری از آن نیست موادی مثل خمر است، به همین علت است که سرطان معده در آثار طب اسلامی در ذیل عنوان «اسباب غول» مطرح می‌شود (۷). غول بدین معنا است که انسان به چیزی مبتلا می‌شود که از آن خبر ندارد و همان باعث هلاکت او می‌گردد و نیز به چیزی که از خمر نشأت می‌گیرد نیز غول گفته می‌شود (۲۴).

۳-۵-۳- سرطان مری و ریه: از جمله سرطان‌هایی که در آثار پزشکی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، سرطان مری و ریه می‌باشد. در آثار طب اسلامی از چند آفت و بیماری نام می‌برند که به سختی قابل شناسایی است. یکی از این دردهای سخت، سرطان ریه نام دارد (۲۵). همچنین سرطان مری نیز از بیماری‌هایی شمرده شده که هم به سختی قابل شناسایی است و هم ناشی از استعمال موادی همچون خمر می‌باشد (۷). در آثار پزشکی خطرات استعمال این مواد گوشزد شده است.

۳-۵-۴- سرطان سینه و پستان: شایع‌ترین نوع سرطان در بین زنان سرطان پستان است، به طوری که باید این سرطان را مخصوص آنان بدانیم. این نوع سرطان که توجه وافر بدن در آثار طب تمدن اسلامی شده، با لفظ «الثدی» مورد بررسی

اکثر زنانی که به سرطان پستان و التهابات آن گرفتار می‌شوند، مادران شیرده هستند که سرخی شدید و برآمدگی پوست همراه با درد و گرمای شدید از علائم آنست (۲۶). به گفته رازی این سرطان از گذشته شناخته شده بوده و قدما در رفع آن کوشیده‌اند (۱۱)، اما برخی معتقدند که در مداوای این نوع سرطان جواب جزئی گرفته‌اند و تاکنون نتوانسته‌اند کاملاً آن را مداوا سازند و در حقیقت این سرطان یک بیماری خبیث به شمار می‌آید (۲۳)، اما این سرطان نیز مانند همه انواع دیگرش از همان ابتدا باید تحت درمان قرار گیرد. علاج آن در ابتدا با استفراغ بدن حاصل می‌شود. باید معده را از سموم خالی نمود، این کار باید با آب پنیر به طور مستمر، ولی کم‌کم انجام پذیرد. پس از این کار و علم به این‌که بدن از سموم پاک شده، با داروی نرم، روی آن را می‌پوشانند (۱۱).

۳-۵-۵- سرطان حلق: این سرطان در آثار پزشکان مسلمان مورد توجه و هشدار قرار گرفته است، چراکه امکان تشخیص آن بسیار دشوار است. ورم موجود در حلق یا از دم ناشی می‌شود که فرد احساس می‌کند گویا دهانش پر از یک نوشیدنی است یا ناشی از صفرا است که احساس می‌کند سرکه در دهانش وجود دارد یا علت این ورم در حلق بلغم است که شوری در دهان احساس می‌شود، اما اگر سودا باشد - که بارها آن را عامل اصلی سرطان معرفی شده است - به سرعت عارض نمی‌شود، بلکه آرام‌آرام می‌آید و اینجاست که این سرطان اگر بزرگ شود، بدون شک کشنده است (۱۱). شاید به خاطر همین ویژگی و عدم کشف درمان مناسب برای آن، به این خرافه روی آورده‌اند که اگر چشم سرطان (خرچنگ) را به همراه داشته باشی و روی چشم بگذاری،

مادامی که همراهت باشد به سرطان حلق دچار نخواهی شد (۲۷).

۳-۵-۶- سرطان چشم: در آثار پزشکی اسلامی سرطان چشم مورد توجه بسیار قرار گرفته است، چراکه بسیاری از پزشکان از علائم و علاج آن سخن رانده‌اند. سرطان چشم، بیماری مهلکی برای چشم محسوب می‌شود. این نوع سرطان در قرنیه چشم پدید می‌آید (۱۱). سرطان چشم به معنای وجود یک ورم سفت در قرنیه چشم است (۲۱). لازمه این ورم درد شدید، منبسط شدن رگ‌ها، درد و جاری شدن اشک‌های رقیق به طوری که نمی‌توان دارویی روی آن نهاد، چراکه درد بسیاری دارد. جراحی این سرطان را توصیف نموده است: «سرطان آماسی است صلب سودایی و بر همه اندام‌ها افتد ریش نگرده، اما آنچه بر چشم بر طبقه قرنیه پدید آید، سخت با درد و با خلیدن باشد و رگ‌های چشم سرخ و متمدد گردد و اگر به صدغ‌ها بازگردد و هرگاه که علت حرکتی کند و ماده تیز و رقیق به چشم او فرود آید و شهوت طعام بشود و اگر داروی تیز درکشند بی‌طاقت شود و این علت را امید زائل شدن نباشد، از بهر آنکه دارو قوی‌تر از علت باید تا علت را دفع کند» (۱۳).

علاج آن باید در ابتدا با تغذیه مناسب که باعث اعتدال بدن شود، صورت گیرد (۲۱-۱۸). در واقع باید گفت درد شدید و غیر قابل تحمل، تمدد و منبسط شدن رگ‌های چشم، قرمزی، سردرد، اشتها نداشتن، جاری شدن اشک و عدم تحمل دارو بر چشم را از جمله علائم سرطان چشم دانسته‌اند (۳۰-۲۸). در برخی از آثار پزشکی، علاج چنین سرطانی را غیر ممکن می‌دانند، اما برای تسکین درد، داروهایی ذکر کرده‌اند، از جمله استفاده از شیر بز، با داروهای نرم باعث استفرغ دادن شوند، داشتن برنامه غذایی که مزاج بدن را معتدل کند، استفاده از سفیده تخم مرغ با شیر زن، دود کردن کندر و حتی شیاف‌هایی که از مخدرات تهیه می‌شود، همه برای تسکین چنین دردی یاد شده است (۱۱، ۱۸، ۲۱، ۲۸). همچنین از ادویه و داروهای گیاهی همچون توتیا، لولو، شاننج و... برای تسکین درد نام برده شده است (۱۲).

۳-۵-۷- سرطان بینی: سرطان بینی برخاسته از وجود یک قطعه سفت در بینی است که نباید با بواسیر اشتباه گرفته شود (۲۵)، چراکه این سرطان خشک و سفت است و بواسیر نرم (۱۱). در واقع اشتراک هر دو بیماری در محل و ماده است، و فرقیشان در این است که سرطان حجم و مقدارش زیاد است، ولی در بواسیر تعداد غدد زیاد است (۳۱).

سرطان بینی گوشت زائدی است که پیوسته در حال رشد بوده و رنگ آن سرخ یا سفید می‌نماید و بینی را سفت و غلیظ می‌کند. این سرطان را نمی‌توان با داروهای گرم و جراحی و قطع کردن مداوا نمود، بلکه باید با آن مدارا نموده، با فصد (حجامت) و اسهال (جریان دادن خون) معالجه نمود (۱۱، ۲۱). در باب مداوای سرطان بینی با داروهای گیاهی یا حیوانی در آثار پزشکی به ندرت سخن گفته شده، آلا آنجا که رازی از لوف (لوف نام گیاهی است که بیخ آن مانند پیاز دشتی می‌ماند) به عنوان یک داروی گیاهی برای درمان این سرطان نام می‌برد، چنانکه که اگر آن را وارد بینی کنند، گوشت زائد و سرطان آن را از بین می‌برد (۱۱).

۳-۵-۸- سرطان کبد: کبد نیز از اعضای اصلی بدن است که بسیار حساس می‌باشد. سرطان کبد از مهم‌ترین عوامل اختلالات رشد بدن است (۷). یکی از نشانه‌های آن تمایل زیاد به تناول گوشت است و اگر کسی زیاد از آن می‌خورد نشانه وجود این سرطان در اوست (۳۳).

درمانی که بیشتر برای این سرطان در کتب طب می‌توان پیدا کرد، استفاده از ضماد است، یعنی ضمادی که از زعفران سنبل سلیخه، فجاج اذخر، زنجبیل و عسل ساخته می‌شود. این ضماد ورم را نرم و باعث زائل کردن سموم می‌شود. همچنین قرصی است که نافع این بیماری است که راوند، عصاره غافت، بذر رازیانج، بذر سمرق، افسنتین رومی، بذر هندباء، بذرکشوت، بذرکرفس آن را تشکیل می‌دهند. ابتدا این قرص را بار اول با آب سکنجبین و بار دوم با آب انگور ثعلب می‌نوشند (۱۱).

۳-۵-۹- سرطان رحم: این سرطان از بیماری‌های خاص بانوان به شمار می‌آید و یکی از سرطان‌هایی است که در آثار پزشکی، مطالب بسیاری درباره آن ذکر شده و اطبای مسلمان بدان توجه ویژه نموده‌اند. رازی این سرطان را در شمار یکی از



چرکین گزاره شده، درمان کرد. اگر آنچه می‌تراود بدبو و آزاردهنده باشد، باید پس از تنقیه نخست که عسل آب است به تنقیه دوم که تندتر است، روی آورد. اگر این تراوش با سوزن سوزن‌شدن و درد و آماس سخت همراه باشد که با دست‌زدن احساس شود از هرگونه تماس با داروهای تند باید پرهیز نماید و با ریزه‌های (تراشه) سرب و یا مرهم اسفیداج (سفیداب) تنقیه نماید. از رگ باسلیق خون نیز بگیرند و از هرچه پدیدآورنده تلخ‌آب و چاشنی‌ها و دانه‌های تند (بازیر) است، پرهیز نماید» (۳۲).

۱۰-۵-۳- سرطان استخوان: در آثار پزشکی تمدن اسلامی از سرطان استخوان به «سرطان صلب» یاد شده است. در بسیاری از موارد این سرطان در ابتدای عضلات حادث می‌شود. عامل این نوع ورم‌ها نیز سودا یا بلغم غلیظ یا هر دو است (۳۱). در طب اسلامی بین این سرطان و ورم استخوان تفاوت قائل شده و بدان توجه وافر شده است. در عین این‌که هر دو از سودا ناشی می‌شوند، اما سرطان در ابتدا کوچک است و سپس بزرگ می‌شود و از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌شود و اطراف آن رگ‌هایی وجود دارد. همچنین درد شدید، سفتی، داغی و تنفر از داروهای گرم و سیلان دم و ریش‌شدن از دیگر علائم آن می‌باشد، اما ورم استخوان این آثار را ندارد (۱۱)، بلکه این ورم دو قسم: یکی حس دارد و دائماً از ورم گرم پیروی می‌کند و همچنین در ابتدا حادث نمی‌شود (۲۶-۲۵). فرق دیگر آنکه سرطان ورمی است که از خلط متعفن به وجود می‌آید، ولی ورم استخوان این‌گونه نیست (۳۲). این نوع سرطان نیز به متقرح و غیر متقرح تقسیم می‌شود. متقرح دارای رگ‌های زشت غلیظی که به خارج متمایل است و قرمز و سبز می‌نماید. در ابتدا مانند باقالی است و سپس به اندازه هندوانه بزرگ می‌شود تا جایی که تنفس را مشکل کرده و بیمار را هلاک می‌کند (۳۴).

در باب علاج این سرطان در طب اسلامی مباحثی مطرح می‌شود. از جمله آنکه باید بدن را دائماً از سودا پاک کرد، غذا را تلطیف نمود و از آنچه اخلاط سوداوی تولید کند اجتناب شود و آلا اگر از این امر غافل شویم، این بیماری عود می‌کند. پیوسته باید عضو را خنک کنند تا متقرح نشود. این سرطان

سه سرطانی می‌داند که بیشترین مورد ابتلا را دارا می‌باشد (۱۱). انواع بسیاری از ورم‌ها در داخل رحم عارض می‌شود که یکی از آن‌ها سرطان است (۲۰). از نشانه‌های این سرطان پدیدآمدن یک ورم سخت و ضخیم در رحم است. همچنین اگر خون رقیق بسیار جاری گردد و دم غلیظ شود، به سرطان منجر می‌شود (۱۱). این ورم رحم بدون آنکه قبل از آن نشانه‌ای داشته باشد، شکل می‌گیرد. تولد این ورم از ماده سودا است که رحم را به یکسو متمایل می‌سازد. اگر این ورم معالجه نشود از آن آب بیرون می‌آید و علامت این ورم محکمی در موضع عانه و دهانه رحم و سنگینی و اضطراب و لرزش در اعضای بدن می‌باشد و گاهی این ورم تبدیل به سرطان می‌شود (۳۰).

سرطان رحم به دو قسم تقسیم می‌شود: یا با زخم و ریش همراه است یا بدین‌گونه نیست. اگر متقرح باشد از آن زردابه سیاهی بیرون می‌آید. آنچه در اینجا پیشنهاد شده، استفاده از داروهای گیاهی و یک پماد مسکن که از خشخاش و روغن گل و... گرفته شده است. همچنین فصد باسن و کم کردن سودا و استفاده از اغذیه مناسب تجویز می‌شود. بخور گرم و سپس سرد نیز در تسکین درد مؤثر است و استفاده از هر آنچه سودا را کم کند، لازم است. برای قطع خون و نیز کاستن از درد، حقنه کردن با ضماد و استفاده از شیر مناسب است (۳۰).

معاینه رحم توسط قابله به وسیله یک ابزار مخصوص، از جمله روش‌های موجود در پزشکی تمدن اسلامی بوده است. این کار به صورت روشمند و حساس‌گونه انجام می‌گرفته است و پس از معاینه و لمس محل بیماری مرهم‌های مناسب برای آن به کار می‌رفت و حتی رحم قبل از آن شستشو می‌شد (۱۱، ۲۰).

زکریای رازی بهترین شرح درباره چگونگی مداوای این بیماری آورده است. او می‌نویسد: «اگر از واژن چرک و خونابه روان باشد و این چرک از جایی نزدیک تراوش کند، ولی گندیدگی و بوی بد نداشت، خوب است که مر، خون سیاوشان، انزروت و کندر را بگیرند و درون واژن بگذارند تا سر باز کند. اگر از جایی دورتر می‌آمد، باید با تنقیه یادشده در بخش زخم روده‌ها و یا شیاف که در بخش پیش‌آب خونی و

بیشتر در پستان و رحم زنان و در روده‌ها، مخرج بول و صورت مردان به وجود می‌آید (۱۱).

۱۱-۵-۳- سرطان سر و گردن: اطلاعات از این سرطان و با این عنوان در آثار تمدن اسلامی بسیار کم است. رازی گزارشی از وجود سرطان سر در زمان خود می‌دهد. او از ساهری نام می‌برد که عارف به صنعت پزشکی بوده و در ایام مکتفی از مقام ممتازی برخوردار شده است. از او نقل کرده‌اند که اگر سرطان در مقدمه سر باشد و مانع خوابیدنش می‌شود آن ساهر داروهایی دارد که مخصوص درمان این بیماری است (۱۱). در مورد سرطان گردن نیز فقط از تألیف رازی می‌توان پی به وجود چنین بیماری در تمدن اسلامی برد. او می‌گوید: «اگر شک داری که چیزی مثل سرطان در گردن وجود دارد، دستت را تا یک زمان طولانی روی آن بگذار. اگر سرطان باشد گرمای آن به دست منتقل خواهد شد» (۳۲).

۱۲-۵-۳- سرطان پوست: این بیماری در طب اسلامی با عنوان «آکله» شناخته می‌شود. آکله، خارش و مرضی است که عضو از آن خورده می‌شود. در واقع هر نوع آفتی که منجر به خارش پوست شود، آکله می‌نامند (۱۶). مطالب در باب این بیماری بسیار کم است. این نوع بیماری در جذام مورد بررسی واقع شده و نام کمی از سرطان پوست در آثار پزشکی از آن می‌بینیم.

۱۳-۵-۳- سرطان لسان: یکی دیگر از سرطان‌های ذکر شده در تمدن اسلامی سرطان زبان است. زبان نعمتی است که با به عبادت خدا پرداخته و بسیاری از حوائج خود را با آن برطرف می‌سازیم. حال اگر این نعمت الهی به سرطان مبتلا شود، بسیار سخت خواهد بود. در واقع در زبان ورم‌های متعددی همچون بلغمی، ریخی، صلبی و... عارض می‌شود که یکی از آن‌ها سرطان است (۳۰). گاهی در زیر زبان ورمی شبیه یک قورباغه کوچک به وجود می‌آید که زبان را از کارهای طبیعی‌اش بازمی‌دارد، حتی گاهی بزرگ می‌شود که دهان را پر می‌کند. این بزرگ‌شدن زبان به واسطه غلبه دم می‌باشد که وسعت دهان را فرا می‌گیرد (۲۰). اگر این ورم رنگش را از دست داده باشد، صلب سیاهی گردد و مریض حسی نداشته باشد، این سرطان است. یکی از نشانه‌های این

سرطان وجود لکه‌های سفید بر روی زبان است که تبدیل به سرطان می‌شود (۷).

### بحث

این بحث جزء اولین مطالعه‌ای است که به طور مجزا و به زبان فارسی به انواع سرطان در طب سنتی اسلام از ایران تا مصر و عراق و سایر قلمرو اسلامی پرداخته است و سعی نموده تا تمام مطالب در این حوزه از دست‌بندی و تشخیص و حتی داروهای درمانی بپردازد.

در پزشکی اسلامی، سرطان به انواع مختلفی تقسیم می‌گردیده است و این در استعمال داروهای درمانی و روش‌های درمانی آن تأثیرگذار بوده است. در این خصوص آنان به دست‌بندی سرطان‌ها پرداخته و بین انواع سرطان تمایز قائل شده‌اند و حتی در مواردی بین سرطان‌ها و تومورها تفاوت گذاشته‌اند. مهم‌ترین نتیجه دست‌بندی انواع سرطان، استفاده در جهت مداوا و به کارگیری انواع مختلف داروها بود. در هر دسته ویژگی‌های خاصی وجود دارد که با یکدیگر متفاوت‌اند و نوع مداوا و داروهای مورد استفاده برای هر کدام متفاوت است.

پزشکان مسلمان چند شیوه را برای بیان انواع سرطان به کار گرفته‌اند، مهم‌ترین شیوه‌ای که تا امروزه نیز کاربرد دارد، تقسیم‌بندی بر مبنای اعضای مختلف است. علاوه بر آن تقسیم‌بندی بر مبنای ماده تشکیل‌دهنده سرطان، سرطان خفی و شدید، سرطان داخلی و خارجی، سرطان متقرح و غیر متقرح صورت گرفته است. برخی پزشکان همانند ابن سینا و رازی به معرفی و دست‌بندی انواع سرطان پرداخته و با توجه به این دست‌بندی، خوش‌خیم یا بدخیم‌بودن آن‌ها را به دقت ذکر کرده و نوع مداوای آن‌ها را بیان نموده‌اند.

### نتیجه‌گیری

دقت پزشکان مسلمان در بیان صفات و ویژگی‌های انواع مختلف سرطان‌ها و تبیین و توضیح دقیق شیوه‌های مختلف درمانی و داروهای مختلفی که برای مداوای انواع سرطان‌ها به کار گرفته می‌شده است، نشان از اهتمام ویژه مسلمین در

شناخت همه جوانب این بیماری دارد. بخشی اعظمی از این مباحث را از تجربه و اطلاعات شخصی خویش کسب نموده‌اند، چنانکه در نوشته‌های رازی و ابن سینا به خوبی این امر مشهود است. آنچه قابل تأمل است، این نکته می‌باشد که علی‌رغم پیشرفت امروزی بشر در علم پزشکی، اما باز هم بخشی از اطلاعات ارائه‌شده توسط پزشکان مسلمان تا امروزه کارایی داشته و قابل استفاده می‌باشد.

بنابراین با استفاده از تجربیات و روش‌های درمان در طب اسلامی می‌توان بیماران مبتلا به سرطان را در جهت تشخیص و بهبود این بیماری یاری نمود. همچنین با این مطالعه می‌توان در شناساندن تمدن اصیل اسلامی کوشید.

### تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دانشجویی آقای ابراهیم محمدزاده است جهت کسب درجه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه علوم اسلامی رضوی. بدین وسیله از دانشگاه علوم اسلامی و مدیر گروه تاریخ و تمدن و نیز معاونت آموزشی دانشگاه صمیمانه تقدیر و تشکر می‌گردد. نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ‌گونه تعارض منافی در این طرح وجود ندارد.

## References

1. Ibn Khalaf Tabrizi M. Farhang Farsi proof argument. Tehran: Publisher Nyma; 1380. Vol.1 p.304.
2. Nafisi M. Nafisi culture. Khayyam. Tehran: Unstoppable; 1378. Vol.1 p.1882.
3. Haji Sharif A. Encyclopedia of Herbal Therapy in Iran. Tehran: Hafez Novin Publications; 2009. Vol.2 p.1037.
4. A group of writers. Ganjine-ye baharestan. Tehran: Library Museum and Document Center of Iran Parliament; 1386. Vol.1 p.89, 439.
5. Ibn Musa al-Reza A. Letter Zarrin Health. Translated by Daryayi M. Mashhad: Astan Quds Razavi; 1389. p.77.
6. Ibn Abi Ashbey A. Ohyon al-Anba Baqi al-Tabaqt. Research by Najjar A. Cairo: The Divine Liturgy of al-Mustafa al-Mu'taq; 2001. Vol.1 p.249.
7. Ibn Musa al-Reza A. Medicine of Alam al-Reza. Al-Dhahbey's Book. Research by Najaf. MM Qom: Dar al-Khiyam; 1402. Vol.1 p.102, 427-428, 439.
8. Jorjani I. Principles and Foundations of Traditional Medicine. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1383. Vol.1 p.104.
9. Ibn Elyis Shirazi M. Ghiyasya. Qom: Natural Resuscitation Institute; 1389. Vol.1 p.26.
10. Ibn Matran A. Bostan al-Tabba and Roz'at al-Albaa. Research by Mohaqiq M. Tehran: Cultural Workshop; 2007. Vol.1 p.28.
11. Ibn Zakariya razi M. Al-hawi fi al-Tibb. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi; 1422. Vol.1 p.8-113, 133, 224, 248, 317, 328, 421, 532.
12. Ibn Hubet Allah S. Al-Mughni fi al-Tibb. Beirut: Dar al-Nefas; 1419. Vol.1 p.81, 221.
13. Gorgani E. Zakhireye Khwarazmshahi. Qom: Institute for Natural Resuscitation; 1391. Vol.1 p.42.
14. Gorgani E. Al-Iqraz al-Tebbieh and al-Mabahis al-Alaieh. Tehran: Iranian Culture Foundation; 1345. Vol.1 p.171, 242, 556.
15. Azdi A. Kitab al-Maa. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1387. Vol.1 p.297, 625.
16. Ibn Sina H. The Canon of Medicine. Beirut: Dari Ehya al-Tatar al-Arabi; 1426. Vol.1 p.149, 190-191, 262, 431.
17. Ibn Zakaria Razi M. Nutritional benefits and disadvantages. Research and Corrected of Hamavi H. Damascus: Dar al-Kitab al-Arabi; 1984. Vol.1 p.346.
18. Ibn Abbas zahrawi K. Al-Tisraf Laman Ajz al-taliyf. Research and Corrected of Mahmoud Sobhi. Kuwait: Al-Kuwait Institute of Islamic Studies; 2004. Vol.1 p.433, 849-850, 1005-1008.
19. Ibn Zakariya Razi M. Taqasim al-Ilal. Beirut: Dar al-Ehya; 1412. Vol.1 p.41.
20. Ibn Zahrawi K. Al-Jaraha. Riyadh: Matabeq al-Farazdaq al-Tjarya; 1422. Vol.3 p.145, 223, 312.
21. Ibn Ali Magyusi A. Al-Kahala (al-Ayoun). Damascus: The Lights of al-Zarah al-Thaqafa; 1997. Vol.1 p.159, 224, 294.
22. Ibn Bahram Cannes M. Al-Qarabazin Cannes. Investigated by Zahir Baba M. Aleppo: Ma'heed al-Atat al-Alami al-Arabi; 1403. Vol.1 p.247.
23. Ibn Talmiz A. Essay by Philosophy. Research and Corrected by Sobhi M. Aleppo: The Minutes of the Society for the Medicine of the Immaculate Conception al-Arabi; 1417. Vol.1 p.45
24. Abdul Aziz Baladi Mo'am H. Qamous al-Ta'b al-Arabi. Oman: Dar al-Basihir; 1425. Vol.1 p.826.
25. Ibn Zakaria Razi M. Al-Qawlānz Book of Our Book Alfarq. Investigate and Corrected by Sobhi M. Aleppo: Leaks of the Aleppo Society; 1403. Vol.1 p.6, 19, 124.
26. Kashkari Y. Kanush fi al-Tibb. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1386. Vol.1 p.345, 439, 543.
27. Ibn Muhammad Baladi A. Tadbir al-Habbali al-Atfal and al-Sabyian and maintaining the integrity. Research by Haj Qasim M. Baghdad: Dar al-Lashid; 1980. Vol.1 p.286.
28. Ibn Sina H. Al-Ain and al-Hajat. Corrected by Qale-Qi and others. Tehran: Institute for the Study of Medical History of Islamic Medicine and Supplement of Iran University of Medical Sciences; 1386. p.97.
29. Ibn Isa Kahal A. Tehkareh al-Kahalein. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1387. Vol.1 p.245.
30. Ibn Ali Magyusi A. Full of Alsana'a al-Taba'ya. Qom: The Institute of Natural Resurrection Jalal al-Din; 1387. Vol.1 p.130-132, 378, 474, 499.
31. Ibn Gisar Qeyrovani. Al-Qurbuh between Saba'ah and al-Allah. Corrected and Investigated by Zamzieh Mohammad. Baghdad: Baghdad Society; 1410. Vol.1 p.44, 96.

32. Ibn Zakaria Razi M. Al-Mansouri fi al-Tibb. Corrected by Bakri H. Kuwait: Al-Thaqafa and al-Ulum; 1408. Vol.1 p.316, 404, 500, 542.

33. Ibn Zakaria Razi M. Tib al-Almulaki. Corrected by Zakur M. Beirut: Dar al-Mannahaj; 1430. Vol.1 p.191.

34. Ibn Qurra E. Al-Zaqirah fi ilm al-Tibb. Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiyah; 1419. Vol.1 p.228.